

قطعه‌نامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره وضع جهان، ایران و وظایف حزب در مرحله کنونی

هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، گزارش در باره مسائل جهان، ایران و وظایف حزب در مرحله کنونی را استماع کرد و پس از بحث پیرامون آن در مورد نکات زیرین موافقت حاصل نمود:

الف - نظری به وضع جهان

۱ - رویدادهای بین‌المللی نشانگر آنستکه ماجراجوترین و تجاوزکارترین جناح جنگ طلب ایالات متحده آمریکا جهان را به سوی فاجعه جنگ هسته‌ای سوق می‌دهد. محافل امپریالیستی، ناگزیری تقدیر آمیز جنگ، امکان جنگ محدود و حتی بلند مدت هسته‌ای و پیروزی در آن را تبلیغ و خود را برای وارد آوردن نخستین ضربه هسته‌ای آماده می‌کنند. استقرار موشک‌های «پرشینگ - ۲» و بالدار با برد متوسط در اروپای غربی گام عملی بلندی است که در این راه برداشته میشود.

محتوای سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در مرحله کنونی، تضعیف مواضع سوسیالیسم در جهان، سرکوب نهضت‌های رهاشی بخش ملی و جنبش‌های ضد امپریالیستی خلقها است. امپریالیسم می‌کوشد از سیر تاریخ به سوی صلح پایدار و همزیستی مسالمت آمیز در سراسر جهان، آزادی خلقها از اسارت ارتجاع و استقرار جامعه نوین، جامعه فارغ از جنگهای مخرب، فقر، جهل، بیکاری و استثمار جلوگیری کند. سیاست ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا - هم پیمانانش در ناتو در عرصه بین‌المللی، برخطر جنگ هسته‌ای می‌افزاید و موجودیت بشری را به مخاطره می‌اندازد.

۲ - تشدید بحران اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک سرمایه‌داری، کاهش آهنگ رشد اقتصادی، تورم مزمن، سیر صعودی هزینه زندگی، بیکاری و گسترش فقر، مبارزه طبقاتی و جنبش اعتصابی را در کشورهای رشد یافته صنعتی غرب تشدید می‌کند و موجبات تزلزل ارکان اجتماعی نظام ستمگر سرمایه‌داری را فراهم می‌آورد. تدابیر اقتصادی-اجتماعی سرمایه‌داری انحصاری دولتی قادر به حل تضادهای سرشتی آن نیست. تضاد بین دول امپریالیستی بیش از پیش عمیق می‌شود.

۳ - وضع در خاور میانه و نزدیک و خیم‌تر می‌شود، و این معلول سیاست ماجراجویانه و تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا است که می‌کوشد سیادت خود را بر جهان تأمین کند و از «موضع قدرت» اراده خویش را به دیگر خلقها تحمیل نماید. استقرار ناوگان دریائی عظیم ایالات متحده در آبهای اقیانوس هند و ورود گروهی از آنها به خلیج فارس، تشکیل نیروهای «اقدام سریع» و «ستاد فرماندهی استراتژیک مرکزی» هدفی جز دخالت آشکار در امور داخلی کشورهای منطقه و مبادرت به عملیات نظامی به قصد به اصطلاح دفاع از «منافع حیاتی آمریکا» یعنی سرکوب نهضت‌های رهایی بخش ندارد. حضور نظامی آمریکا و ایجاد پایگاه‌های عدیده نظامی در سراسر منطقه، استقلال مین ما و دیگر کشورها را تهدید می‌کند. تجاوز نظامی ایالات متحده به گرنادا و لبنان نمونه‌های بارز این سیاست تجاوزکارانه است.

۴ - امپریالیسم، مخالف تحولات اجتماعی در کشورهای نواستقلال است. دول امپریالیستی می‌کوشند راه رشد سرمایه‌داری و وابسته را به کشورهای رشد یافته تحمیل کنند. خلقهای «جهان سوم» با پیگیری علیه سیاست غارتگرانه انحصارهای امپریالیستی مبارزه می‌کنند. تضاد بین دول امپریالیستی و کشورهای نواستقلال تشدید می‌یابد.

۵ - سیاست ماجراجویانه و تجاوزکارانه امپریالیسم محکوم به شکست است. دوران ما دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی است. نیروهای صلح و دموکراسی و سوسیالیسم بر نیروی امپریالیسم برتری دارد. جامعه کشورهای سوسیالیستی و پیشاپیش آن اتحاد شوروی به نیروی عظیم مادی و معنوی درجهان تبدیل گردیده و نقش تعیین‌کننده در نبرد علیه امپریالیسم و در راه آزادی خلقها ایفا می‌کند.

۶ - بواثر مساعی پیگیرانه و مبتکرانه کشورهای سوسیالیستی و هوشیاری ر بیداری دیگر نیروهای صلح طلب، بشریت توانسته طی یک دوران نسبتاً طولانی از وقوع جنگ جهانی جلوگیری کند. اتحاد شوروی همراه دیگر کشورهای سوسیالیستی امروز نیز مانند گذشته در راه امر عظیم و حیاتی صلح جهانی و تأمین امنیت خلقها مبارزه می‌کنند.

حزب توده ایران از پیشنهادات جامعه کشورهای سوسیالیستی در زمینه خلع سلاح هسته‌ای و نیز خلع سلاح همگانی قویا پشتیبانی می‌کند و آنها را یگانه راه دستیابی به صلح پایدار و نجات بشر از فاجعه جنگ هسته‌ای می‌شمارد.

۷ - گسترش مناسبات دوستانه بین دول، همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظام‌های گوناگون اجتماعی، احترام اکید به حق خلقها در تعیین سرنوشت و پیشرفت اجتماعی، اصول لایتفری است که جامعه کشورهای سوسیالیستی در سیاست خارجی خود از آنها پیروی می‌کنند.

۸ - پلنوم کمیته مرکزی بر آنستکه مبارزه در را تحدید سلاح‌های هسته‌ای، ایجاد مناطق آزاد از سلاح‌های هسته‌ای و از آن جمله در منطقه اقیانوس هند، برچیدن پایگاه‌های نظامی آمریکا، خاموش کردن کانون‌های جنگ که احتمال فراروئی آنها بد جنگ جهانی حتمی است، یکی از عرصه‌های عمده مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی است.

۹ - پلنوم، سیاست ماجراجویانه و تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا را در منطقه خاور میانه و نزدیک و آمریکای مرکزی و دیگر نقاط جهان شدیداً محکوم می‌کند و معتقد است که باید با تمام قوا علیه آن مبارزه کرد.

۱۰ - پلنوم همبستگی عمیق خود را با مبارزه عادلانه مردم برادر افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در راه ایجاد کشوری آزاد، آباد و مستقل ابراز می‌دارد و جنگ اعلان نشده امپریالیسم آمریکا و ایادی آن را علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان شدیداً محکوم می‌کند.

۱۱ - نهضت‌های رهایی بخش و ضد امپریالیستی خلقها در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین، به نیروی پرتوان انقلاب جهانی - تبدیل شده است. اتحاد سه نیروی اساسی انقلابی عصر ما - سیستم جهانی سوسیالیسم، جنبش کمونیستی و کارگری کشورهای سرمایه‌داری و نهضت رهایی بخش ملی در مقیاس جهانی شرط پیروزی بر امپریالیسم است.

ب - در باره وضع ایران

۱ - در پلنوم، پیرامون گزارش عمومی و مسائل انقلاب و وظائف حزب در زمینه مبارزه علیه ارتجاع حاکم بر کشور و به سود استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بحث جدی انجام گرفت. پلنوم معتقد است که انقلاب بهمن ۵۷ مردم مین ما، انقلابی بود ضد امپریالیستی، ضدسلطنتی، ضد استبدادی و مردمی. پلنوم تأیید می‌کند که علیرغم کوشش نیروهای انقلابی و مین پرست، انقلاب نتوانست به آماج‌های اجتماعی - اقتصادی خود نائل آید.

۲ - با پیروزی انقلاب، هیئت حاکمه جدید با پایگاه طبقاتی نوین زمام امور کشور را به دست گرفت، ولی این هیئت حاکمه از دیدگاه وابستگی طبقاتی یکدست نبود. حاکمیت نوین با آنکه تحت تأثیر جوانان انقلابی اقداماتی را در زمینه دگرگونی

دستگاه دولتی به ارث رسیده از رژیم گذشته آغاز نمود. ولی این اقدامات به زودی متوقف شد و در مجموع دستگاه دولتی تقریباً دست نخورده باقی ماند. حال آنکه بدون تبدیل دولت به عامل پیشرفت اجتماعی - اقتصادی و بدون دموکراتیزه کردن دستگاه دولتی تداوم انقلاب امکان پذیر نبود.

۳ - روحانیون حاکم، ترکیبی از جناحهای گوناگون را تشکیل می‌دهند. جناحی مظهر سیاسی و نماینده کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و بورژوازی متوسط و جناح دیگر حامی «عدالت اسلامی» در جامعه‌اند. اگر جناح نخست، خواهان اشکال محدودتر تسلط سیاسی، در عین حفظ تسلط کامل نظام سرمایه‌داری وابسته است، جناح دوم حفظ تسلط انحصارگرانه سیاسی و اقتصادی را برای پیاده کردن آنچه به نام «عدالت اسلامی» می‌نامد، در جامعه ضرور می‌داند. کوشش هر یک از جناح‌ها برای تامین فرمانروائی خویش و فرمانبرداری طرف دیگر عقب نشینی در مقابل یورش یک جناح و درپیش گرفتن طریق مباحثات، عمل مشترك همه جناح‌ها در برابر خواستاران تحولات عمیق اجتماعی به قصد دفاع از منافع خود به مثابه یک قشر، از مختصات هیئت حاکمه جدید به شمار می‌رود. پلنوم برآنستکه روحانیت حاکم، نه نماینده یک قشر معین از طبقه معین، بلکه نماینده قشرهای گوناگون طبقات ولایه‌های مختلف جامعه از کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان گرفته تا بورژوازی متوسط و کوچک و خرده بورژوازی است.

در چنین زمینه ایست که روحانیت حاکم خود را مافوق تناقضات طبقاتی معرفی می‌کند که گویا همراه با دیگر اقشار جامعه در مجموع «مردم» را تشکیل می‌دهند و از منافع مردم دفاع می‌کنند.

۴ - اگر در دوران رژیم مخلوع گروه‌های صنعتی، یعنی قشر فوقانی سرمایه‌داران و مالکان بزرگ در پشت نام شاه فرمانروائی می‌کردند. با ایجاد جمهوری اسلامی و حذف گروه‌های صنعتی اینک کلان سرمایه‌داران و به ویژه بورژوازی تجاری و نیز مالکان بزرگ در مجموع خود در پوشش «موازین شرعی» و به نام «امت مسلمان» حکمروائی می‌کنند و جامعه به جای آن که محتوای نوین کسب کنند، برای حفظ منافع آنان به سوی کینه‌ترین شکل سنتی - مذهبی سوق داده می‌شود. مشخصه عمده وضع موجود را می‌توان سیاست مانور میان طبقات و اقشار و «استمداد» عوام‌فریبانه از تمام قشرها و طبقات جامعه برای پرده پوشی دفاع از منافع طبقه استثمارگر دانست.

۵ - توده‌های زحمتکش و به ویژه پرولتاریای صنعتی ایران در جریان جنبش انقلابی، خواست‌های صریح اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را مطرح کردند. روند جنبش انقلابی نشان داد که توده‌های میلیونی شرکت‌کننده در انقلاب فقط برای تغییر روبنای سیاسی مبارزه نکردند، بلکه خواستار دگرگونی زیر بنا هم بودند. ولی هیئت حاکمه نتوانست و نخواست مسئولیت سیاسی - اجتماعی که در برابر توده‌های زحمتکش به عهده گرفته بود، اجراء کند. انقلاب، علیرغم کوشش پیگیر حزب توده ایران و دیگر

نیروهای مدافع آرمانهای توده‌های محروم، در مرحله سیاسی متوقف شد و نتوانست به انقلاب اجتماعی فرا رود. انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و دموکراتیک به استبداد قرون وسطائی برای احیای نظام سرمایه‌داری وابسته انجامید.

۶ - با برکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری، در واقع رهبری سیاسی انقلاب به طور عمده در اختیار آیت الله خمینی و طرفداران او در حاکمیت قرار گرفت. در این شرایط با در نظر داشت اختلافات گذشته در حاکمیت سیاسی و توقف روند تعمیق انقلاب، امید می‌رفت گام‌های اساسی در جهت حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی جامعه به نفع توده‌های زحمتکش برداشته شود. این امید به تحقق نپیوست و این روند نه تنها آغاز نکشت، بلکه سیاست رژیم تغییر کیفی یافت و بیش از پیش به راست گرائید.

۷ - چرخش هیئت حاکمه به راست در زمینه سیاست داخلی و خارجی که به شکل احیاء نظام منحط سرمایه‌داری وابسته، تقویت بنیه مالی بورژوازی تجاری، احیاء مواضع اقتصادی و مالا سیاسی امپریالیسم و همسانی و همسوئی هر چه بیشتر با دول امپریالیستی تظاهر می‌کند. جامعه را با بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی روبه‌رو ساخته است.

تورم فزاینده، گرانی سرسام آور، افزایش سریع هزینه زندگی، بیکاری فراگیر، ادامه مهاجرت روستائیان از هستی ساقط شده به شهرها، گسترش فساد، اختلاس، غارت بیسابقه «تروریست‌های اقتصادی» تحت حمایت هیئت حاکمه، تشدید وابستگی صنعتی، افزایش سریع واردات کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی در عین کاهش بی وقفه صادرات و بالاخره تکیه مطلق بر درآمد نفت برای ادامه حیات اقتصادی کشور، نشانه بارز تعمیق بحران در جمهوری اسلامی است.

۸ - پایان دادن به جنگ خانمان سوز ایران و عراق خواست اکثریت قاطع زحمتکشان است، که بار سنگین آن را بر دوش می‌کشند. «جنگ - جنگ تا پیروزی» که سران جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کنند و تاکنون صدها هزار کشته و زخمی و غلیل برجای گذارده و خسارات عظیم بر اقتصاد کشور وارد آورده، مغایرت آشکار با اهداف انقلاب مردم کشور ما دارد. ادامه جنگ به نفع امپریالیسم است. امپریالیسم آمریکا از ادامه جنگ، که فاجعه بزرگی برای مردم هر دو کشور همسایه است، در جهت تحکیم مواضع، سیاسی - نظامی و اقتصادی خود در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک بهره می‌برد. ما برآنیم که ترک مخاصمه و انعقاد صلح با شرایط عادلانه به نفع خلقهای دو کشور و به زیان امپریالیسم است و هر چه زودتر باید عملی گردد.

مبارزه در راه پایان دادن به جنگ بین ایران و عراق، وظیفه عاجل مدافعان مصالح ملی کشور است.

۹ - هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی، ادامه جنگ برادر کشی در کردستان را، که به خلق کرد تحمیل شده محکوم می‌کند و خواهان پایان دادن به بمباران شهرها و روستاهای منطقه و کشتار جمعی کودکان و زنان و پیرمردان است. پلنوم خواهان به

رسمیت شناختن حق خودمختاری برای همه خلقهای ساکن کشور در چارچوب تمامیت ارضی ایران است.

۱۰ - امپریالیسم آمریکا دشمن شماره یک خلقهای میهن ما است. در جهان دو جبهه رود روی هم قرار دارند - جبهه نیروهای ضد امپریالیستی، مبارزین راه آزادی و استقلال و پیشرفت اجتماعی و بر رأس آن اتحاد شوروی از سوئی و جبهه نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی، دشمنان سوگند خورده خلقهای مظلوم و ستمدیده به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از سوی دیگر. مبارزه ضد امپریالیستی در مقیاس جهانی جدا از جبهه نیروهای ضد امپریالیستی امکان پذیر نیست.

ما معتقدیم که متحدان طبیعی خلقهای محروم میهن ما عبارتند از: در درجه اول اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، امپریالیسم در تلاش خود برای صلور ضد انقلاب همیشه کوشیده و می کوشد که جنبشهای رهایی بخش را از دوستان جهانی خود جدا ساخته و بدینسان زمینه را برای تحکیم مواضع داخلی عمال امپریالیسم و نیروهای واپس گرا فراهم سازد. هم اکنون ما شاهد این روند در میهن خود هستیم. تجربه تاریخی مؤید آنست که هر جا امپریالیسم موفق به تحقق این سیاست گردیده، جنبش انقلابی در آن کشور سرکوب و سلطه امپریالیسم حاکم شده است. پلنوم، سیاست سران جمهوری اسلامی را برای احیاء مواضع امپریالیسم در کشور زیر پوشش شعار به اصطلاح «نه شرقی، نه غربی» که عملاً به سیاست نه شرقی، فقط غربی تبدیل شده و نیز اوج هیستری ضد شوروی را سیاستی عمیقاً ضد ملی و مغایر مصالح عالیله خلقهای میهن ما می داند.

۱۱ - سران جمهوری اسلامی سیاست سرکوب و ترور نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی را با شدت بسط می دهند. خصلت عمده این مرحله از سیاست رژیم حاکم عبارت است از توسل هر چه بیشتر به شیوههای قرون وسطائی و مذبوم تفتیش عقاید، حبس و شکنجه و قتل دگراندیشان، ایجاد جو عدم اعتماد عمومی، تشویق ساکنین کشور به جاسوسی و خبرچینی علیه یکدیگر، بهره برداری از تراستعماری «تفرقه انداز و حکومت کن!». گسترش دامنه توده ای ستیزی، تحمیل ایدئولوژی رسمی و عقاید هیئت حاکمه به عنوان تنها گرایش سیاسی جامعه، رایج ترین وسیله در اجرای این سیاست ضد انسانی بهره گیری از ارگانهای گوناگون سرکوب گرو اطلاعاتی است که شبکه آن سراسر کشور را فرا گرفته است.

پلنوم بر آنست که تامین آزادیها و حقوق دموکراتیک، شرط قطعی حرکت جامعه به پیش و تضمین تحولات اجتماعی بوده و خواهد بود.

۱۲ - یورش سبعانه رژیم به حزب توده ایران، زندانی کردن هزاران نفر از اعضاء آن و غیر قانونی اعلام نمودن فعالیت حزب ما کوچکترین ارتباطی با اتهامات سخیف ساخته و پرداخته ارگانهای اطلاعاتی رژیم نداشته و ندارد. یگانه علت را باید در حقانیت و اصالت جهان بینی حزب ما، در جدابیت آن، در باور روزافزون زحمتکشان

و روشنفکران میهن دوست به نظرات، پیشنهادات و برنامه‌های عملی و علمی ارائه شده از جانب حزب توده ایران پیکاوی کرد.

حزب توده ایران که از ژرفای نیاز طبقاتی جامعه برخاسته و امید و پناهگاه توده‌های تحت ستم و سنگر زحمتکشان برای مقابله با دشمنان خلق است، راه عملی برون رفت از فقر، محو ستم طبقاتی، حل مسئله ملی، راه دستیابی سریع و ممکن به رشد اجتماعی - اقتصادی واقعی منطبق با ویژگیهای جامعه و بالاخره طریق دستیابی به استقلال واقعی سیاسی و اقتصادی را به توده‌های مردم نشان داده و می‌دهد.

توسل رژیم در مبارزه ایدئولوژیک به ترور و اختناق و شیوه‌های کثیف پرونده سازی نشانگر ضعف ایدئولوژی آن است.

۱۲- تعدادی از رفقای ما تاکنون تحت شکنجه‌های وحشیانه به شهادت رسیده‌اند و عده‌ای نیز که همانند آنها ایثارگرانه از آرمانهای حزب خود دفاع کرده‌اند بدون محاکمه به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند. ولی در عین حال منظره دیگری هم در سیمای جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته شده است.

تحریف بی‌بند و بار تاریخ مبارزات حزب، تکذیب وجود شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی، نفی بدیهیات علمی و فلسفی، توجیه جنگ بی سرانجام ویرانگر، خود آزاری و نفی هستی و شخصیت خویش، مؤید شکستن و مسخ عده‌ای از قربانیان توطئه ضد انسانی سران جمهوری اسلامی در زیر شکنجه‌های وحشیانه است. آنچه در این رابطه در فراموشخانه‌ها و شکنجه‌گاه‌های ایران می‌گذرد، بهیچ وجه با تاریخ پرافتخار و فعالیت حزب توده ایران ارتباطی نداشته و ندارد.

پلنوم کمیته مرکزی اعلام می‌کند، آن گروه از اعضاء رهبری که در بندند تا زمانیکه در اسارت و زیر شکنجه هستند دارای هیچ گونه مسئولیتی در حزب نیستند، وضع حزبی آنان پس از روشن شدن موقعیت جداگانه هر یک در زندان‌های رژیم مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار خواهد گرفت.

۱۴ - پلنوم از همه احزاب برادر کمونیستی و کارگری در سراسر جهان و در درجه اول از حزب کمونیست اتحاد شوروی، از همه سازمانها و جمعیت‌ها و شخصیت‌های مترقی که در لحظات دشوار و حساس در تاریخ حزب ما در کنار ما قرار گرفتند و صدای اعتراض خود را علیه بیدادگری‌های رژیم بلند کردند، صمیمانه تشکر می‌کند.

هیچ نیرویی قادر نخواهد بود حزب توده ایران را از خانواده عظیم احزاب برادر کمونیستی و کارگری جدا سازد. حزب توده ایران در آینده نیز مانند گذشته پرچم پرافتخار انترناسیونالیسم پرولتری، همبستگی با احزاب کمونیستی و کارگری، دوستی با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه با همسایه دیوار به دیوار و دوست بزرگ خلق های میهن ما اتحاد شوروی را برافراشته نگه داشته و با پدیده‌های ناسیونالیستی و روشهای تفرقه‌جویانه در نهضت کمونیستی و کارگری مبارزه خواهد کرد.

ج - وظایف حزب در مرحله گنونی

وظایف سازمانی

۱ - مهم‌ترین، عاجل‌ترین و مرکزی‌ترین وظیفه‌ای که در حال حاضر در برابر حزب ما قرار دارد احیای سازمان‌های خود در کشور است. بدین منظور مراتب زیر باید در نظر گرفته شود:

- مراعات اصول چهارگانه عدم تمرکز، ترجیح کیفیت بر کمیت، تلفیق کار علنی و مخفی و حفظ اسرار حزبی؛

- ایجاد شاخه‌ها و هسته‌های مجزا و استوار؛

- اجتناب از پیوستن شاخه‌ها و هسته‌ها به یک دیگر و حفظ استقلال هسته‌های

کوچک؛

- مراعات بدون قید و شرط انضباط حزبی؛

- مسلود ساختن طرق اشاعه هر گونه اطلاعات حزبی و موظف ساختن تک تک

افراد حزب به حفظ سریت؛

- مسلود کردن راههای رخنه دشمن به درون حزب، اتخاذ تدابیر عاجل از جانب

هیئت سیاسی در این زمینه.

۲ - ارگان‌های رهبری حزب باید با در نظر گرفتن شرایط مخفی، اصل کار جمعی

با مسئولیت فردی را مبنای کار خود قرار دهند و از به کار بردن شیوه‌های فرماندهی و اداری احتراز جویند.

۳ - سازمانهای حزبی باید عرصه کار و فعالیت طبقه کارگر را به میدان اشاعه

نظرات حزب مبدل کنند. برنامه حزب را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به میان توده‌های زحمتکش، جوانان، دانشجویان، دانش‌آموزان، زنان و روشنفکران ببرند. از لحاظ اهمیت خاص مبارزه دهقانان علیه بزرگ مالکان و با در نظر گرفتن امتناع رژیم از اصلاحات ارضی رادیکال، باید به کارمیان دهقانان توجه خاص مبذول گردد.

۴ - تجدید سازمان حزب در کشور مهم‌ترین، حادترین و مرکزی‌ترین مسئله ما

در حال حاضر است. بدون حل این مسئله مهم و حیاتی، حل دیگر مسائل ممکن نیست. احیاء و تحکیم سازمانهای حزبی کارآ و منضبط و منسجم در کشور کاریست دشوار، که تنها در صورت احتراز از کار عجولانه، در صورت انتخاب صحیح افراد متناسب از نظر صداقت به جهان بینی حزب و مقاومت در برابر دشمنان و مراعات کامل حرکت سنجیده ممکن است. کار حزبی باید به نحوی که ثمرش بیشتر و ضربه پذیری آن کمتر باشد و با به کار بردن حداکثر هوشیاری انقلابی برای جلوگیری از نفوذ دشمن در حزب، سازمان داده شود.

وظایف تبلیغی و ترویجی

۵ - پلنوم متذکر می‌شود که باید دقت زیادی به فعالیت تبلیغاتی و ایدئولوژیک حزب مبذول گردد. فعالیت تبلیغی و ترویجی حزب باید متوجه توضیح استراتژی و تاکتیک حزب، استراتژی و تاکتیک جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، تجهیز ایده‌های مردم ایران با روح علاقه به صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم، دوستی با کشورهای سوسیالیستی و نهضت‌های آزادی بخش و روح پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع باشد.

۶ - در مرحله کنونی فعالیت تبلیغی و ترویجی باید نکات زیرین مورد توجه قرار گیرد:

- تجدید سازمان فعالیت مطبوعات حزبی بر اساس خط مشی مصوب پلنوم به قصد جلوگیری از نوسانات در عرصه نظرات حزب؛

- کوشش در راه ایجاد هم‌آهنگی فکری در نوشته‌ها؛ مضمون تبلیغات حزبی باید منطقی، قانع‌کننده، مستند و تهییج‌کننده باشد؛

- توجه خاص به نقش سازماندهی ارگانهای تبلیغاتی؛

- انعکاس خواست‌های مترقی و مطالبات عاجل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی توده‌های زحمتکش در مطبوعات و نشریات و دیگر ارگان‌های تبلیغاتی حزب؛

- حمایت از کلیه مجاهدات و مساعی سازمانها و گروه‌های مترقی و انقلابی و ضد امپریالیستی اپوزیسیون که در خیر و صلاح عمومی و در جهت اتحاد این نیروها است در فعالیت تبلیغی و ترویجی حزب؛

- تعرض ایدئولوژیک وسیع به منظور عقیم ساختن تبلیغات سوء گروه‌های ضد توده‌ای و ضد کمونیستی اشاعه سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز در میان توده‌ها و تبیین پیوند ناگسستنی این سیاست با مبارزه انقلابی و بویژه مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق‌های میهن ما؛

- محکوم کردن هر گونه بازداشت و محاکمات غیر قانونی، هر نوع شکنجه، بدون در نظر گرفتن وابستگی سازمانی؛

- افشاء سیاست ماجراجویانه و تجاوزکارانه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و توضیح سیاست صلح طلبانه جامعه کشورهای سوسیالیستی و پیشاپیش آن اتحاد شوروی؛

- افشاء همه‌جانبه امپریالیسم، صهیونیسم، نژادپرستی و آپارتاید؛

- پشتیبانی همه‌جانبه از جنبش‌های آزادی بخش ملی در سراسر جهان.

ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی

۱ - رویدادهای کشور بار دیگر، این حقیقت را عیان می‌سازد، که بدون اتحاد عمل نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی مبارزه علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم نمی‌تواند به نتیجه مطلوب برسد.

حزب توده ایران، از بلو تأسیس خود کوشش فراوانی برای اتحاد نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی به عمل آورده است. حزب ما به ویژه به همکاری تاریخی نیروهایی که زیر پرچم مبارزه برای استقلال ملی، آزادی، پیشرفت اجتماعی و زندگی بهتر برای زحمتکشان مبارزه می‌کنند، اهمیت زیادی قائل است.

۲ - محافل ارتجاعی مسلط در حاکمیت با تمام قوا می‌کوشند از ایجاد تفرقه در میان نیروهای سیاسی مترقی و انقلابیون مذهبی به سود تثبیت موقعیت خود و احیاء مواضع امپریالیسم، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان استفاده کنند. در چنین شرایطی اتحاد نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی اعم از سیاسی و مذهبی درجهبه متخللق، عامل تعیین کننده و وثیقه اساسی پیروزی در نبردی است که اکنون میان نیروهای انحصار طلب و قشری از يك سو و نیروهای خلق از سوی دیگر در جریان است.

۳ - پلنوم بر آنست که وجود اختلاف بین نیروهای انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی در عرصه ایدئولوژیک و نیز پیرامون چگونگی تداوم انقلاب و هدفهای دور تر جامعه ایران امریست طبیعی. آنچه حائز اهمیت است وجود نکات مشترک پیرامون هدف عمده مبارزه در مرحله کنونی میان حزب ما و دیگر جریانهای سیاسی انقلابی، دمکراتیک و ضد امپریالیستی است، که شرایط عینی برای مذاکره و یافتن زبان مشترک در باره برنامه و مضمی سیاسی را به وجود می‌آورد.

۴ - پلنوم کمیته مرکزی یادآور می‌شود که برخی سوءتفاهمات و نیز تندی‌ها در روابط متقابل حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران مشکلاتی را پیش‌آورد که در مجموع به زیان نهضت ضد امپریالیستی مردم مین ما تمام شد. پلنوم خواهان تجدید نظر مثبت در این روابط است و به هیئت سیاسی توصیه می‌کند در راه ایجاد روابط سالم و سازنده با سازمان مجاهدین خلق ایران به مثابه یکی از نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی در جهت اتحاد همه نیروهای انقلابی و میهن‌پرست کوشش نماید.

۵ - حزب توده ایران کوشش‌های لازم را برای ایجاد تفاهم و تماس نزدیک با سازمانها و نیروهای مترقی انقلابی خلق کرد به عمل خواهد آورد. پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران از مبارزه بر حق خلق کرد در راه خودمختاری، در چارچوب ایرانی مستقل و آزاد پشتیبانی می‌کند.

۶ - مسلمانان مبارزی که در شهر و روستا نقش مهمی در پیروزی انقلاب داشتند و همچنان در پی دست یابی به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هستند، بدون